

پرونده

تأملی درباره تهران و میل شهروندان

راه‌های منتهی به خیابان

امیدمهرگان

در مطالعات شهری، در حوزه تفکر درباره شهروندان شهر جدید، همواره خیابان کانون توجه جامعه‌شناسان شهر، فیلسوفان و حتی هنرمندان بوده است. نویسنده در این یادداشت کوشیده که پیوند میل انسانی - آن چنان که در روانکاوی محل بحث است - با عرصه خیابان را بررسی کند. تهران شهری است که نویسنده برای بررسی‌اش برگزیده تا تفکر در این باره انتزاعی و بی‌اثر نباشد.

۱. در سال ۵۷، خیابان‌های تهران بی‌شک پرکشش‌ترین مکان‌ها برای جوانان بود. میل جوانی، احتمالاً برای نخستین بار، به جای گره خوردن با فضاهای خصوصی، با عمومی‌ترین فضای ممکن - خیابان - گره خورده بود؛ آن هم نه صرفاً میل گروهی خاص از جوانانی که همدیگر را از قبل بشناسند؛ برعکس، هر جوانی به طور آبی با هر جوان دیگری می‌توانست آشنایی دیرین باشد. این نکته یقیناً در مورد میانسال‌ها و سالخوردگان نیز صدق می‌کرد. یکی از مشترکات بسیاری از خاطره‌های میانسالان امروز از سال ۵۷، همین میل بی‌وقفه برای رفتن به خیابان بود ولی چه چیزی خیابان را جذاب می‌ساخت؟ پاسخ به این پرسش به نظر روشن می‌آید اما آنچه مهم است، دقیقاً نحوه انتخاب نام پاسخ است. چیزی که افراد را به خیابان‌ها می‌کشاند سیاست نام داشت زیرا برای نخستین بار، سیاست با مفهوم خوشبختی یا شادمانی پیوند یافته بود. در سال‌های پیش از آن، برای مدت‌ها، سیاست همان عرصه خطرناکی بود که جز بدبختی و مصیبت چیزی در پی نداشت. ولی چه زمانی سیاست به خوشبختی گره می‌خورد؟ چه زمانی سیاست و میل در قالب موضوعی واحد بر هم انطباق می‌یابند؟ یا به بیان روشن‌تر، چه زمانی سیاست بهتر از هر چیز دیگری میل را پاسخ می‌گوید؟ جوانان آن موقع احتمالاً می‌پذیرند که با شرکت در سیاست انقلابی شکلی از سعادت را تجربه کرده‌اند زیرا سیاست در آن روزها در معنای درست کلمه عبارت بود از به صحنه آمدن کسانی که به وسیله رژیم پهلوی از صحنه بیرون رانده شده بودند. در چنین لحظاتی سیاست از تخصص متخصصان سیاست در می‌آید و به فعالیت روزانه همه مردم بدل می‌شود؛ در آن لحظات خیابان‌ها به زیباترین مکان‌ها بدل شده بودند.

۲. در تاریخ گذشته و امروز تهران بی‌شک مقاطعی بوده است که خیابان‌ها؛ شدیداً ما را به خود فراخوانده‌اند اما فقط در مقاطعی؛ زیرا از منظری فرهنگی، خیابان‌ها در کشور ما به هیچ‌رو جای ایستادن و درنگ کردن و وقت‌گذرانی نیستند. این خیابان‌ها آدم‌ها را پس می‌زنند، از خود می‌رانند و اکیداً به خانه‌ها رجعت می‌دهند؛ چه در عرصه فرهنگ و زیباشناسی و چه در عرصه سیاست و مدنیت. در تهران نیز ما با پرسه‌زنی، ولگردی،

خانه‌به‌دوشی و... روبه‌رو هستیم. اما در اینجا تجربه شوکی که بنیامین در مورد پاریس عصر بودلر از آن حرف می‌زند، خصلتی به‌واقع خوفناک و عینی به‌خود می‌گیرد؛ انواع و اقسام شوک‌های صوتی و بصری، شوک ناشی از قریب‌الوقوع بودن تصادفی که هم‌اینک از سر گذشت، شوک عبور و حشیشانه موتورسیکلت از کنار تان در پیاده‌رو، شوک تخیله ناگهانی بار یک تریلر در کنار خیابان، شوک حاصل از آلودگی هوا و... آن چهره‌های معروف خیابان‌های مدرن که زادگاه بی‌بدیلشان پاریس - پایتخت قرن نوزدهم - است، یعنی فلاتور (پرسه‌زن)، آشغال جمع‌کن، مردان و زنان خیابانی، گداهای شهری و... همگی در اینجا سیمایی از ریخت افتاده و بی‌رمق تریه خود می‌گیرند. اما حتی این چهره‌ها نیز به محض یدل شدن به سوژه‌های سیاسی، خیابان را به شیوه‌ای یکسر متفاوت تجربه خواهند کرد یا حتی خواهند توانست در متن خیابان، سوبه‌هایی از شکوه و خوشبختی جمعی را در یابند.

۳. بنابراین خیابان همواره عرصه تحقق میل نیست (دست‌کم نه برای کارتن‌خواب‌ها در زمستان، گدایان، رفتگران، پیک‌های موتوری و غیره). اما حتی برای بورژواهای متمول نیز به‌سختی به چنین عرصه‌ای بدل می‌شود. فقط شهروندانی که اهل خودفریبی‌اند خواهند توانست از خوردن آپمیوه کنار جوی خیابان - آن هم بعد از پارک کردن ماشین‌های مدل بالا در لابه‌لای انبوه اتومبیل‌های دیگر - لذت ببرند. به همه این موارد باید اصلی‌ترین مصیبت تجربه شهر، یعنی ترافیک را نیز افزود. آن تصویر آخرالزمانی معروفی که این روزها بیش از همیشه در ذهن و بر زبان شهروندان و خیابان‌گردهای تهران جاری است - یعنی بدل شدن شهر به یک پارکینگ عظیم - اکنون رفته‌رفته به واقعیت بدل می‌شود ولی حتی در مقام یک تصویر خیالی و فانتستیک نیز گویای این واقعیت است که تجربه شهر در اینجا به هیچ‌رو تجربه قدم‌زدن در خیابان‌ها نیست بلکه تجربه گریز از خیابان‌ها به یاری هر وسیله ممکن است؛ از اتوبوس و اتومبیل شخصی گرفته تا موتورهای مسافربر. نباید به این تصویر آخرالزمانی بی‌اعتنا بود. این یگانه شکل انعکاس یافتن واقعیت شهری در ذهن شهروندان مقیم آن است.

خیابان مکان و مفهومی چندی و مرکزی در شناخت شهر و حال و احوال زندگی شهرنشینان جدید است. با ظهور خیابان‌ها در شهرهای دوران مدرن، ذهنیت مردمان شهری از اساس متحول شده است.